

علی اکبر خان محمدی

مقدمه‌ای بر کتابشناسی تاریخی تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت نزد مسلمانان، همانند شئون و نظامات دیگر دینی و علمی و ادبی همواره تابع نظام خاص و قواعد مدونی بوده است که امروزه دستیابی بدانان اگر نه بکار اصول و قواعد حاکم بر تعلیم و تربیت حالیه آید، حداقل منبع و مرجعی توانند بود جهت آگاهی و احیانا "تعقیب مراحل و مسیر تحول و توسعه این فن شریف در طی بیش از چهارده قرن نزد مسلمین، تعلیم و تربیت از جمله آن مسائل عمده‌ایست که همواره در طی قرون و اعصار تاریخ اسلام مورد بحث و مذاقه بوده و علما و صاحب نظران مسلمان در تبیین و تصحیح اصول و مراتب آن کوشیده، و بلکه در هر دوره بایی جدید بر آن افزوده‌اند، تا آنجا که می‌توان گفت در این مقوله نیز مسلمانان نه تنها مبدع و مبتکر بوده‌اند، بلکه همواره غنای آنرا نیز مورد نظر داشته و در تمام زمینه‌های مربوط، از جمله مراتب و اهداف غائی تعلیم و تربیت نظیر بسیاری از زمینه‌های دیگر علوم و فنون آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاده‌اند. آنچه در این نوشته بالاخص مورد نظر است دستیابی به چنین منابع و کتب و رسالات در طی تاریخ اسلام تا قبل از دوران معاصر و طبقه‌بندی ایشان بجهت اختصار و معرفی آنان با رعایت توالی زمانی جهت محققین در تعلیم و تربیت اسلامی و دیگر دست‌اندرکاران این حرفه شریف و الهی است. تا باشد که در آینده شاهد تحقیقات و تتبعات ارزشمند از این مقوله باشیم قبل از ورود به مطلب اصلی و از باب مقدمه بر این وجیزه ذکر چند مطلب ضروری می‌نماید. نخست آنکه به تأیید عارف و عامی، و دوست و دشمن

اسلام یک دین تربیتی بمعنی خاص کلمه است ، و لذا تمام آراء و افکار آن مشعر بر این معنی است . در قرآن که سند متن اسلامت این امر بوضوح آشکار و با کوچکترین مراجعه به این کتاب شریف این معنی مستفاد می گردد . بعد از قرآن ، حدیث ، یا چنانکه مصطلح است سنت نبوی قرار دارد که آن خود دریایی است بی پایان در اصول و مفاهیم تعلیمی و تربیتی . بهمین ترتیب و بر پایه این دو کلیه متون تشریحی و تفسیری محتوی تربیتی داشته و در این وادی سیر می نمایند .

روش این نوشته بر آنست که اسلام را همچنانکه غالباً " نزد محققین و مستشرقین مرسوم است بمعنی عام کلمه که شامل تمامی مذاهب و فرق می گردد در نظر داشته و قصد انحصار مطلب به مذهب خاصی نبوده ، در عین حال اگر ضرورتی بوده بجهت محققین در مذهب شیعه گهگاه قید مذهب را هم آورده ایم . لکن ذکر این نکته نیز ضروری است که اسلام در مفهوم عام چنانکه اهل تحقیق دانند بیشتر شامل مذاهب چهارگانه اهل سنت می گردد که این منافی مقصود ما نیست .

آنچه بعنوان منابع تعلیم و تربیت اسلامی مورد نظر ماست کلیه کتب و نوشتجات اعم از رسالات و حواشی و شروح و امالی و غیر آنانست که اجمالاً " از سه طبقه خارج نیستند .

الف - منابع متعالی ، یا الهی و ارشادی که بطور خاص نخست شامل قرآن کریم و بعد حدیث می گردد .

ب - منابع عام ، که بواقع منابع زمینه‌ای برای موضوع مورد نظرند ، به اضافه که گهگاه مطالب ویژه تعلیم و تربیت نیز در ایشان آمده .

ج - منابع خاص تعلیم و تربیت اسلامی که ویژه این امر شریف و الهی به نگارش درآمده اند ، و آنان خود می توانند حول سه محور گرد آمده باشند ، بدینقرار :

۱ - کتب و رسالات تعلیمی و تربیتی .

۲ - رجال تعلیم و تربیت .

۳ - اماکن تعلیم و تربیت .

که ذکر اینهمه بیاید ، و تنها در این مقام اضافه نمائیم که بجهت قید اختصار این نوشته در مراجعه به منابع خاص تعلیم و تربیت این سه دسته اخیر نیز چون بقیه به اجمال و تنها با ذکر نام و مؤلف آمده اند : این کتب و رسالات برخی خطی و اکثرا " چاپ شده و در کتابخانه های ایران و خارج موجود است و می توانند مورد مراجعه محققین قرار گیرند . ضمنا " غالب آنان به زبان عربی است که در طی این چهارده قرن تاریخ اسلام ، یا اقل ده قرن اول آن تنها زبان علمی و ادبی به جهت علما و مؤلفین عرب و غیر عرب بوده که لزوما " محققین این وادی از آشنائی با آن ناگزیر هستند . نگارنده این سطور بمقدار فراوان از کتب و رسالات نگارش یافته در این مقوله توسط استادان و پژوهندگان عربی و فارسی و بالاخص مقدمه کتاب گرانقدر " المدارس الشراپیه بهفداد و واسط و مکه " . تألیف دکتر ناجی معروف " سوده برده است .

از این پس می رسیم به محدوده تعلیم و تربیت اسلامی . واقع اینست که چنانچه اشاره شد کل دیانت اسلام تعلیم و تربیت انسانهاست . و این از فحوای آیات قرآن کریم و احادیث و اخبار و روایات و اقوال ائمه و بزرگان دیانت حقه مستفاد می گردد . لکن بطور اخص آنچه به کسب علم ، و علماء ، و طرق انتقال علم و نظایر آن باز می گردد ، از آن جمله آموزش قرآن ، حدیث ، آموزش لغت و ادب . و همینطور علوم تجربی چون طب ، نجوم . . . و به طریق اولی علوم مربوط به کلام خداوند و حدیث نبوی چون فقه ، حدیث ، کلام و تفسیر و . . . و نهایت آنچه در یک جانب آموزنده ای ، و در جانب دیگر آموزگاری وجود داشته باشد ، و رابطه این دو در محلی خاص تحت عنوان مدرسه ، یا همینطور مسجد ، تکیه ، زاویه ، خانقاه ، رباط و غیر آنان در حیطه تعلیم و تربیت است . بالمآل آنچه در این اماکن خوانده می شده ، یا آنچه راجع به این چنین اماکن سخن گفته است از منابع تعلیم و تربیت بشمار می رود . این منابع بدون منظور داشتن دوران معاصر که آثار عدیده در زمینه مورد نظر و در اغلب زبانها بویژه زبان عربی نگاشته شده ، و این خود مستلزم قید تاریخی بودن آنست ، گذشته از منابع عالیله و ارشادی ، خود به دو دسته

عمده مراجع مستقیم و مراجع غیرمستقیم ، یا به تعبیر دیگر منابع درجه اول و منابع درجه دوم تقسیم می گردند ، که منظور از مراجع مستقیم یا درجه اول آن کتب و رسالاتی است که خاص این مقوله نوشته شده اند ، و هدف از مراجع غیرمستقیم یا درجه دوم آنچه که فصلی ، یا بخشی ، یا عنوانی را به این امر اختصاص داده اند ، گرچه زمینه عمومی آنان غیر این بوده . که این دسته اخیر بمراتب هر دسته نخستین فزونی داشته و مابه خواست خداوند منتخبی از این هردو را بیاوریم . بدیهی است که آنچه بیاید نشان دهنده تمام حیطه این قلمرو وسیع نبوده و در جهت نشان دادن اهتمام دیانت حقه و علمای مسلمان در این وادی تنها خطوطی اجمالی را ارائه می دهد .

مقدمه :

ملاحظات کلی در کتابشناسی تاریخی تعلیم و تربیت اسلامی .

باید دانست کتابها و منابعی که بطور خاص بحث در اصول و مراتب تعلیم و تربیت و نیز مجامع ، مدارس و مکاتب مربوط نموده اند در مقایسه با سایر زمینه های علمی که مسلمانان در آنان آثار ارزنده و فراوان به یادگار نهاده اند اندک می نماید و دلیل این امر باز می گردد به تاریخ سیاسی و اجتماعی مسلمین که اجمالا " از این قرار است : مطالعات فرهنگی

دوران رونق و بلکه اوج چنین نگارشاتمی عصر متأخر خلافت عباسیان و بویژه المستنصر بالله به بعد است که هم اندکی پس از آن مواجه می شویم با وقایع جانگدازی که سرتاسر ممالک اسلامی را در نوردید و نه تنها فرصت استنساخ و تکثیر برای علما و کتاب باقی نگذاشت ، بلکه شمار عظیمی از این منابع همچون دیگر آثار و بقایای تمدن اسلام و عرب را دچار هدم و ویرانی نمود . این وقایع عبارت بود از هجوم وحشیانه مغول به قلمرو اسلامی و به ویژه مقرر خلافت عباسیان بغداد که همانجا کانون فعالیت های علمی و مهبط علوم اسلامی بشمار می رفت ، که منجر به انهدام این شهر و در نتیجه برجسته شدن خلافت عباسیان و ظهور آشفته گی و غارت میراث های علمی گردید ، ومع الوصف ،

رسالات و نوشته‌جات نیز از این فاجعه عظمی مصون نمانده و بدون اغراق هزاران و بلکه ده‌ها و صد‌ها هزار نسخه خطی مفقود و معدوم گردید. بدنبال این واقعه مولمه حوزه‌های علمی مسلمین تعطیل و مساجد و مدارس بیشمار به‌همراه خزائن کتب که در خود می‌داشتند تخریب و دستخوش حریق، و چه بسا علما و مدرسین که به‌شهادت رسیدند.

و از آن پس نوبت می‌رسد به حملات تیمور به سرزمینهای اسلامی و دوبار گشودن بغداد که دست‌کمی از حملات پیشین نداشته و بیگمان دوران سیاهتری را برای علم و تربیت رقم زد، و یکبار دیگر آنچه از هجوم مغول بجا مانده بود به‌نابودی کشاند، و جز معدودی کتب که احتمالاً "نسخه‌های مکرر می‌داشتند، یا در تملک اشخاص بدور از این وقایع بودند، یا نهایت آنکه در مساجد و اماکنی نگهداری می‌شدند که از این فتنه‌ها مصون ماندند دیگر چیزی باقی نماند. مردم جاهل و مغرض نیز در این میان باعث از میان رفتن شمار فراوانی از این قبیل کتب و رسالات گردیدند که این خود بیشتر باعث تأسف است. به‌رحال بیش از این مجال سخن در باب این وقایع جانگداز نبوده و تفصیل آنان در اکثریت کتب تاریخی و غیر آن آمده. چنین بوده که مجامع درس و بحث و حوزه‌های تدریس دچار فترت کلی گردیدند و رابطه‌ایشان با تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی و مسیر تکوینی آن بدیهی است. استنساخ از کتب و رسالات متوقف گردید و دانشمندان و مدرسین در راتب هرروزه ماندند. مضافاً به اینکه در وقایع فوق‌بسیاری کتب و رسالات به‌خط مؤلفین و مصنفین که مورد اعتماد و کتابت اهل علم و کاتبان می‌بود از میان رفته و بقیه‌چندان محل اعتماد نمی‌نمودند. بهترین شاهد مثال کتاب معروف "ابن الفوطی" موسوم به تلخیص مجمع الادب فی معجم الاسماء و الالقب می‌باشد که در روایات تصریح گردیده در هشتاد مجلد می‌بود و آنچه امروز به‌دست ما رسیده تنها دو جلد، یعنی مجلدات چهارم و پنجم به‌خط مؤلف است که اولی در کتابخانه ظاهریه دمشق و دومی در لاهور پاکستان نگهداری می‌شوند.

و نیز ابن الفوطی خود در جایی تصریح نموده است که کتابی در احوالات خلیفه عباسی المستنصر بالله، و عصر مستنصریه که از ادوار درخشان تعلیم و تربیت اسلامی و نمودار آن مدارس مستنصریه در سرتاسر قلمرو خلافت شرقی بوده تألیف نموده که اثری از آن به جا نیست و دیگران روایت کرده اند که از جمله "ابن الفوطی" در آنجا آورده بوده.

"... از بزرگترین فضایل ابن خلیفه که بی سابقه می نمود اینکه وی دستور به ساختن مدرسه‌ای در ساحل دجله داد و آن را وقف مذاهب چهارگانه اهل سنت نمود، و به جهت آن موقوفاتی قرار داد که درآمد حاصله‌شان بالغ بر نود هزار درهم می گردید که تفصیل آن در این مختصر ننگد، و نیز از جهت این مدرسه موسوم به مستنصریه خیرات و صدقاتی هم می بود که در کتابهای نوشته شده پیرامون آنجا مذکور شده است*.

و باز در این شمار می توان از کتاب "ابن ساعی" یاد کرد با عنوان "اعتبار المستنصر فی اخبار المستنصر" یا همینطور کتاب دیگر ابن ساعی با عنوان "التاریخ علی الحوادث" که "ابن الفوطی" سابق الذکر و غسانی مؤلف کتبی چون "العسجد المیسوک فی تاریخ دولت الاسلام" و "طبقات الخلفاء والملوک" از آن نقل کرده اند.

حق آنست که بگوئیم این خسارات و تلفات عام بوده و نه تنها شامل منابع تعلیم و تربیت که مشتمل بر کلیه علوم و فنون اسلامی گردید. مع هذا هنوز جای این سؤال هست که چرا شمار کتب و رسالاتی که بطور خاص عنایت به وضع تدریس، و مسئله اماکن و مدارس درس، یا همینطور روش تدریس، ادوار علم و موقعیت ویژه هر عصر در این باب داشته اند معدود و منحصر می نماید؟ جامع ترین پاسخی که بدین سؤال مقدر می توان داد چنین است که فی الواقع بخشی از کتب تاریخ، جغرافیا، حدیث، تفسیر... و بیش از آن کتب رجال، سیر و تذکرها و تراجم دانشمندان، همینطور تاریخچه شهرها و بناها، و خلاصه هر آنچه در این شمار باشد و تفصیل برخی از آنان در سطور آتی بیاید، اختصاص به طرح مسائل تعلیمی و تربیتی،

یا اماکن و منابع و اصول این امر داشته و لذا همین شمول باعث می‌گردد که علما و مورخین صاحب‌نظر چندان احساس نیاز به انجام تالیف جداگانه‌ای در این مقوله‌ها نمی‌نمودند .

در این چنین منابع که ما در جزو منابع عام و مرتبط قلمداد می‌کنیم ، از جزئی‌ترین مطالب چون تأسیس مکتب‌خانه‌ها ، یا چنانکه مصطلح است . کتاب " آموزش ابتدایی کودکان ، حلقه‌های درسی که غالباً " در مساجد تشکیل می‌شد ، شهریه مدرسین و کیفیت موقوفات سخن رفته تا نادرترین آنان که کیفیت آموزش طبقات خاص نظیر اولاد خلفا و سلاطین ، امرا و اشراف و نهایت طبقات عالیه جامعه که اکثر این کلاسها در قصور خلفا و خانه‌اشراف تشکیل می‌گردید . و مضافاً " به اینکه برای همه می‌بایست شروح و حواشی متعدد که در طی ادوار مختلف نوشته شده و هریک مبین اوضاع عصر است افزود ، یا همچنین تعلیقات و اختصاراتی که برای جمله وارد شده . بدیهی است که عمده هنر و تتبع پژوهندگان امروزمین مسایل تعلیم و تربیت اسلامی غور در این منابع عام در جوار منابع خاص و یافتن مطالب مورد نظر است . اینک جادارد بپردازیم به سه دسته منابع در این طریق که به اجمال ذکرشان گذشت و آن سه عبارتند از منابع الهی و ارشادی ، منابع عام و منابع خاص تعلیم و تربیت اسلامی ، که این بخش اخیر خود متممی در بیان کتب اخلاقی داراست :

اول : منابع و مآخذ الهی و ارشادی :

- ۱ - قرآن مجید ، که سرفصل تمام کتب ، و علیه‌العلل علوم و فنون ، از جمله تعلیم و تربیت اسلامی است .
- ۲ - حدیث یا سنت نبوی ، که متمم کتاب الهی ، و متضمن فواید عالیه تعلیمی و تربیتی است . و اما منابع حدیث را باید به دو دسته عمده منابع اهل سنت ، و منابع اهل شیعه تقسیم نمود ، گرچه اهل شیعه جز موارد قلیل الباقی منابع حدیث اهل سنت را هم قبول داشته‌ و از آنان روایت کرده‌اند .

آنچه از منابع اهل سنت در این مختصر می‌توان یاد کرد نه کتاب معروف است که در آنان کمابیش امور مربوط به تعلیم و تربیت گنجانده شده، فی‌المثل در صحیح ترمذی باب پانزدهم اختصاص به تأدیب دارد و موسوم به کتاب الادب" است. این نه کتاب که تنها ذکرشان در این مقام کفایت می‌کند عبارتند از، صحیح ترمذی - سنن ابن ماجه - مسند ابن حنبل - صحیح بخاری - سنن ابی داود - مسند الدارمی - موطا، از مالک بن انس - صحیح مسلم - سنن نسائی.

و اما منابع حدیث اهل شیعه با احتساب پذیرفتن بسیاری از منابع اهل سنت، آنچه از قدیم بجا مانده و در آنان نیز بطریق اولی مباحث تعلیم و تربیت مکان ویژه‌ای داراست، از جمله در اصول کافی بابی داریم تحت عنوان "فضل العلم"، یا همینطور باب "وجوب طلب العلم"، عبارتند از: اصول کافی از شیخ کلینی، بحار الانوار، از مجلسی پسر (متوفی ۱۱۱۱ ه. ق.)، وسائل الشیعه، از شیخ حر عاملی شهید (محتلاً" در ۱۵۱۱ ه. ق.)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، از محمد حسن بن باقر اصفهانی نجفی (متوفی ۱۲۶۶ ه. ق.) و برخی دیگر که بطور عام یا مقطعی احادیث را آورده‌اند.

۳ - بعد از حدیث، کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان "نهج الفصاحه" می‌تواند مورد استناد در این باب واقع شود، همینطور از نظر ما شیعیان بویژه خطب و کلمات مولای متقیان حضرت علی - علیه السلام یعنی "نهج البلاغه" بانضمام شروح و تفاسیر فراوان که از جانب سنت و شیعه بر آن نوشته و از جمله معروف‌ترینشان "شرح ابن ابی الحدید" است. دیگر در این شمار "صحیفه سجادیه" از امام چهارم شیعیان حضرت سجاد (ع) است و بهمین ترتیب مواعظ و کلمات منسوب به دیگر امامان ظاهرین.

۴ - کتب تفسیر کلام الله مجید، که تعداد آنان نزد شیعه و سنت و مذاهب دیگر بیشمار، و غالباً "مواضع اخلاقی و تربیتی قرآن را مشخص نموده‌اند، از باب نمونه می‌توان به تفسیر سوره "لقمان" که به اعتقاد اکثریت مفسرین مبحث تربیتی قرآنست در تفاسیر مختلف مراجعه نمود.

۸

نیز به مناسبت‌های متفاوت مسائل تعلیم و تربیت و احکام و قواعد آن مذکور افتاده که محقق این مسایل را از مراجعه بدانان گزیری نیست .

۶- باز از علوم مربوط به حدیث اینکه نویسندگان " درایه " در حدیث نیز گهگاه مباحثی از این قبیل را در مقدمه کتب خود یاد کرده‌اند و در اخذ احادیث بدان اشارتی داشته‌اند ، از آن جمله :

- "علوم الحدیث" ، از ابن صلاح ابو عمر شهرزوری ، متوفی به سال ۶۴۳ ه . ق .

- التقریب والتیسیر لمعرفه سنن البشیر النذیر ، از محی الدین یحیی نوری دمشقی شافعی ، متوفی ۶۷۶ ه . ق .

- مدخل الشرع الشریف علی مذهب الحنیف ، از ابن الحاج ابو عبدالله عبدی .

۷- باز از جمله کتب که در سلسله منابع الهی و دیانتی می‌توان بدانان در این امر خاص تمسک جست کتابهای طبقات شامل فقهاء و علما و ادوار فقه و نظایر آنست که در آنان بمناسبت بحث در مراتب و مدارس مذاهب چهارگانه ، همینطور از شئون فقهاء و اقبال مردم بدیشان که اقبال به علم باشد و امور مشابه که به کار تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی آید سخن رفته‌است ، برخی از مهمترینشان چنینست :

- طبقات الفقهاء ، از ابواسحاق الشیرازی الشافعی ، متوفی به سال ۴۷۶ ه . ق .

- طبقات فقهاء الیمن ، از عربین علی بن سحره الجعدی ، متوفی بعد از سال ۵۸۶ ه . ق .

- کتاب " المدارک فی طبقات المالکیه ، از قاضی عیاض بن موسی الیحصبی ، متوفی به سال ۵۴۴ ه . ق .

- طبقات الشافعیه ، از سلیمان بن جعفر الاسنوی ، متوفی به سال ۷۵۶ ه . ق .

- طبقات الشافعیه الکبری ، از تقی الدین السبکی ، متوفی به سال ۷۷۱ ه . ق .

- الجواهر المضية فی طبقات الحنفیته ، از عبدالقادر القرشی ،
متوفی به سال ۷۷۵ هـ . ق .
- ذیل علی طبقات الحنابلہ ، از ابن رجب ، متوفی به سال ۷۹۵ هـ . ق .
- کتاب الدیباچ المذهب فی معرفه علماء المذهب ، از برهان الدین
بن فرحون الیعمری المالکی ، متوفی ۷۹۵ هـ . ق .
- طبقات الفقهاء ، از شمس الدین العثماني ، متوفی قبل از
سال ۸۵۱ هـ . ق .
- طبقات الشافعیه ، از ابن قاضی شهبه ، متوفی به سال ۸۵۱ هـ . ق .
- تاج التراجم فی طبقات الحنفیه ، از زین الدین بن قطلوبغا ،
متوفی به سال ۸۷۹ هـ . ق .
- الغرف العلیه فی تراجم متأخری الحنفیه ، از محمد بن طولون
الصالحی ، متوفی سال ۹۵۳ هـ . ق .
- طبقات الحنفیته ، از مولانا طاش کبری زاده ، متوفی به سال ۹۶۲ هـ . ق .
- طبقات الشافعیه ، از ابی بکر بن هدایه الله الحسینی ، ملقب به
مصنف ، متوفی به سال ۱۰۱۴ هـ . ق .
- الفوائد البهیة فی طبقات الحنفیته ، از محمد بن عبدالحی الکنوی ،
متوفی به سال ۱۳۰۴ هـ . ق .
- بدیهی است که آنچه از کتابهای طبقات که ذکرشان گذشت بیش از
سایرین که شمارشان به مراتب بیش از اینست به مسئله تعلیم و تربیت توجه
نموده و بمناسبت اطلاعاتی ارائه داده اند که در این طریق وجودشان ذیقیمت است .
و اما بعد از این مرتبه نوبت می رسد به قارئین کلام الله مجید که
خود صاحب طبقه ای خاص و در ارتباط نزدیک با تعلیم و تربیت اسلامی
بوده اند ، به این ترتیب که در آموزش قرآن کریم در مدارس عام ، یا مخصوص
این امر ، و به دانش پژوهان ویژه این رشته از علم قرآنی یا دیگر طالبان ،
همینطور کیفیت قرائت هر یک از ایشان که آیا از قرائت های هفتگانه ، هشتگانه
یا دهگانه با احتساب موارد شاذ استفاده نموده اند ، و بطریق اولی علوم
مربوط به قرائت چون تجوید و غیر آن اطلاعات ذیقیمتی از خود بجای گذاشته اند .

که آنهمه خود در کتب مربوط منظور است و برخی از این کتب بدینقرار است :

— المصباح الزاهر ، فی القراءات البواهر ، از ابوکریم المبارک بن حسن شهرزوری ، متوفی به سال ۵۵۰ هـ . ق .

— الذخائر فی القراءات ، هم از ابوکریم فوق الذکر .

— کتاب معرفه القراء الکبار علی طبقات والاعصار ، از ذهبی ، متوفی به سال ۷۴۸ هـ . ق .

— کتاب النشرفی القراءات العشر ، از ابن الجزری ، متوفی سال ۸۳۸ هـ . ق .

— کتاب غایه النهایه فی طبقات القراء ، هم از ابن جزری .

— تذکره الحفاظ ، هم از ذهبی فوق الذکر .

باز از جمله کتب در رابطه با مذاهب و دیانت که "محملا" می توانند در این طریق حاوی اطلاعاتی باشند کتب معروف به ملل و نحل است که حاوی افکار و عقاید و درعین حال زندگی و آثار و مجامع درس و بحث پایه گذاران و داعیان مذاهب و ملل ، همینطور ارباب نحل از فلاسفه و دیگر مذاهب می باشند و برخی از مهمترینشان چنین است :

— الفرق بین الفرق ، از بغدادی .

— کتاب الفضل فی الملل والاهوای والنحل ، از ابن حزم .

— الملل و النحل ، از عبدالکریم شهرستانی .

— فرق الشیعه ، از نوبختی .

دوم - منابع عام :

این بخش اختصاص به کتب و منابعی دارد که اصولاً "به وجهی عام مسئله تعلیم و تربیت ، اعم از قواعد ، رجال و اماکن را شامل شده و گهگاه نیز به وجهی خاص با اختصاص دادن فصل ، یا بخش و پاره ای از مطالب بدان پرداخته اند ، و محقق این حوزه گرچه به سادگی به این اجزاء دسترسی پیدا نمی کند ، لکن از مراجعه و دستیابی بدیشان ناگزیر است . آنچه بالاخص در این چنین منابع مورد دقت محقق تعلیم و تربیت اسلامی تواند بود

بیشمار و از آن جمله ذکر مجالس درس، و املاء، و موعظه، مناظره، و مطالبی در باب تدریس مدارس و رباطها و زوایا و خانقاه‌ها، همانگونه که در قصور، و منازل اشراف، و سرانجام مباحث مربوط به احوال علما و مدرسین، ادوار رواج علوم، طبقات و اصناف ایشان و هر آنچه از این قبیل باشد.

باز از جمله مباحث مطروحه در این چنین منابع ذکر ایشان از تاریخچه مدارس و مساجد، خزینه‌های کتب، خطوطی که در کتابها آمده، خطاطان، کاتبان، همینطور کسانی که از جانب واقفین این اماکن با عنوان مدرس و مددکار او، قارئین و راویان حدیث و غیر آنست.

و نیز مؤلفین این چنین تألیفات که غالباً خود از سرآمدان دانشمندان عصر خویش بوده‌اند، گاه در آثار خود سخن از مجامع و محافل علمی و تربیتی، نظیر مجالس درس قرآن، حدیث، فقه منحصر به یک مذهب، یا مشترک بین مذاهب، و یا مجالس مناظره اهل مذاهب، همانگونه که مباحثی در علوم تجربی نظیر طب و نجوم و هیأت و هندسه و غیر آن گفته‌اند که بطور خاص اینهمه جزئی از تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌گردد. از جانب دیگر این مدارس و محافل نه تنها به همت واقفین اهل فضل، که با عنایت خاصه اهل علم و نویسندگان و مدرسینی که بخش عظیمی از آثار خود را در این مکانها به انجام می‌رساندند پا می‌گرفت و تداوم می‌یافت و منشاء شکفتگی و تکامل مجامع تربیتی در طول تاریخ اسلامی می‌گردید که ذکر اینهمه از اهم وظایف محققین مسائل تعلیم و تربیت است. گرچه شمار منابعی که حاوی چنین اطلاعات عام و گاه پراکنده است بیشمار و شاید به عدد تألیفات علمای اسلامی باشد، لکن آنچه در این مختصر امکان معرفی می‌یابد آنهایی است که پیش از دیگران به این امور عنایت ورزیده‌اند و در این طریق گام برداشته‌اند. این کتب خود از باب مضمون و محتوی کلی به چند گروه تقسیم می‌گردند که ضمن عنوان هر دسته، برگزیده‌ای از کتب مربوطه را بیاوریم:

الف - کتاب شناسی و فهراس:

- منظور از این دسته کتب آن منابعی است که محتوی اسامی کتب در درجه اول، و سپس اسامی رجال و شروح احوال یا تذکره‌ها، و بهمین ترتیب فهرست اصطلاحات و عناوین فنون و علوم و غیر ایشانست که طبعاً " کلیدی" توانند بود جهت دستیابی محقق به مأخذ و منابع ضروری و مربوط. البته کتب رجالی خود بی‌شمار و از زوایای مختلف قابل معرفی است که در این مختصر مجال تقسیم‌بندی آنان نبوده و تنها برخی از باب نمونه ذکر می‌گردد.
- الفهرست، از ابن ندیم، متوفی به سال ۳۸۵ ه. ق.
 - کشف الظنون عن الاسامی الکتب و الفنون، از حاجی خلیفه، متوفی به سال ۱۰۶۷ ه. ق.
 - که این کتاب خود چندین ذیل راراست و از آن جمله است:
 - هدیه العارفین، از اسماعیل پاشا بغدادی.
 - کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، از کنتوری نیشابوری، متوفی ۱۲۸۶ ه. ق.
 - کشف اصطلاحات الفنون، از تهبانوی.
 - رجال نجاشی، از احمد بن علی النجاشی، متوفی به سال ۴۵۰ ه. ق.
 - اختیار معرفه الرجال، معروف به رجال الکشی، از شیخ طوسی، متوفی به سال ۴۶۰ ه. ق.
 - معالم العلماء، از ابن شهر آشوب، سروری مازندرانی.
 - تبصیر المنتبه، بتحریر المشتبه، از ابن حجر العسقلانی، متوفی به سال ۸۵۲ ه. ق.
 - المشتبه، فی الرجال، از شمس‌الدین ابو عبد الله ذهبی، متوفی به سال ۷۴۸ ه. ق.

ب - کتب مرجع عام ، نظیر دائره المعارف ها و

این دسته کتب غالباً "مشمول بر مضامین تربیتی از هر سه مقوله اش ، یعنی منابع ، رجال و امکانه می گردد و به مناسبت های مختلف بحث این مسائل را آورده و اشاراتی بدانان دارند . طبعاً "در اینگونه مراجع باید ذیل مواردی چون ادب ، علم ، علما ، امکانه ، موقوفات و امثال آن را ملاحظه نمود . برخی از این مراجع که بالاخص به مضامین تربیتی نظر داشته اند بدینقرار است :

- عقد الفرید ، ابن عبدربه ، متوفی به سال ۳۲۸ ه . ق .
- مروج الذهب و معادن الجواهر ، از مسعودی ، متوفی به سال ۳۴۶ ه . ق .
- " مقدمه " از ابن خلدون ، متوفی به سال ؟
- صبح الاعشی ، از قلقشندی ، متوفی به سال ۸۲۱ ه . ق .
- احیاء علوم الدین ، از ابو حامد محمد غزالی ، متوفی به سال ۵۰۵ ه . ق الی آخر .

ج - کتب و رسالات مبنی بر تقسیمات علوم فنون :

مرسوم چنین بوده که هر عالم و محقق قبل از آغاز به تصنیف و تألیف و به جهت مشخص نمودن حدود و ثغور کار علمی خویش قائل به تقسیم و تفکیکی در علوم و فنون شناخته شده تا عصر خویش گردیده ، که این چنین تقسیمات نه تنها تطور علوم را نشان می دهند ، بلکه فروع و زوائد آنان را نیز گاه به تفصیل آورده اند که از این باب بسیار حائز اهمیت می باشند . برخی از این کتب که بالاخص مبحث مورد نظر را شامل می شوند از اینقرارند :

- احصاء العلوم ، از ابو نصر فارابی ، متوفی به سال ۳۳۹ ه . ق .
- مفاتیح العلوم ، از ابو عبد الله محمد خوارزمی کاتب ، متوفی ؟
- جامع العلوم ، معروف به ستینی . از امام فخر رازی ، متوفی به سال ۶۰۶ ه . ق .

- رساله تشجیرات ، از یاقوت ، متوفی به سال ۶۲۶ ه . ق
ضمناً " متتم این فصل در آخر این نوشته آمده است .

ه - کتب أنساب :

دیگر از منابعی که بطور اعم به امر تعلیم و تربیت نزد مسلمین نظر داشته‌اند کتبی هستند که به‌ویژه در علم أنساب نوشته شده‌اند. و مشتمل بر نسب علما و فضلا و مدرسین و همینطور خاندانهای معروف اهل علم و غیرایشان می‌گردند. برخی از این کتب چنینند :

- الأکمال فی رفع الأرتیاب عن الموء تلف و المختلف من الاسماء والکنی والأنسب ، " از امیرابن ماکولا العجلی ، متوفی به سال ۶۷۵ هـ . ق .
- کتاب " الانساب " ، از ابوسعید سمعانی مروزی التیمی ، متوفی به سال ۵۶۲ هـ . ق .

- " تمجیر فی المعجم الکبیر " ، هم از سمعانی .

- اللباب فی تهذیب الانساب " از عزالدین ابن اثیر ، متوفی به سال ۶۳۵ هـ . ق . که ملخص انساب سمعانی است . از این پس نوبت می‌رسد به کتب و مقالات تاریخی که خوشبختانه تعدادشان فراوان و حدود اطلاعات ارائه شده در آنان نامحدود و بالاخص آنچه بیاید مباحث عمده‌ای را به امر مورد نظر اختصاص داده‌اند . از جمله کتب تاریخی سه دسته مجزا می‌توان استخراج کرد که به ترتیب به تواریخ عام ، تواریخ مقطعی و تواریخ امکنه و شهرها می‌باشند .

و - کتب تاریخی عمومی :

که ضمن شرح سوانح و وقایع عمومی تاریخ اسلام بالاخص عنایت ویژه به امر تعلیم و تربیت ورزیده و فصولی را در بیان اعتلای آن ، و تاریخچه مدرسین بزرگ و مدارس بزرگ عصر ، از جمله در باب مدارس مرکز خلافت بغداد و دیگر بلاد اسلامی ، علما و متفکرین هر دیار و دوره ، همینطور برخی آثار مکتوب ادوار علمی به انضمام مجالس درس که از قرن پنجم ، یعنی عصر اعتلای تعلیم و تربیت تا انهدام بغداد و از میان رفتن مجامع علمی در

حمله جانسور مغول و پس از او تیمور در سالهای ۷۹۵ و ۸۰۳ آورده‌اند:

- المنتظم ، از ابن الجوزی ، متوفی به سال ۵۹۷ هـ . ق .
 - الکامل فی التاریخ ، از ابن اثیر ، متوفی به سال ۶۳۰ هـ . ق .
 - تجارب الامم ، از ابن مسکویه ، متوفی به سال ۴۲۲ هـ . ق .
 - الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر ، از ابن ساعی البغدادی ، متوفی ۶۷۴ هـ . ق .
 - المسجد المسبوک فی تاریخ دوله الاسلام و طبقات الخلفاء والملوک ، منسوب به ابوالحسن الخزر جی ، متوفی به سال ۸۱۲ هـ . ق .
 - شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام ، از حافظ تقی الدین الفارسی المالکی ، متوفی به سال ۹۸۸ هـ . ق .
- تواریخ عام که اختصاص به سیر ادوار اسلامی داشته‌اند نیز از این مقوله شمرده می‌شوند ، چون :

- تاریخ مجدد المدنیة الاسلام ، از ابن نجار ، متوفی به سال ۶۴۳ هـ . ق .
- منتخب مختار ، از ابن رافع السلامی ، متوفی به سال ۷۷۴ هـ . ق .
- نزهة الانام فی تاریخ الاسلام ، از ابن دقماق ، متوفی به سال ۸۰۹ هـ . ق .
- السلوک لمعرفة دول الملوک ، از مقریزی ، متوفی به سال ۸۴۵ هـ . ق .

ز - تواریخ مقطعی :

یعنی آنچه شامل مقطعی از زمان و عصری خاص ، یا سلسله‌ای ویژه و نظایر آن می‌گردد .

- مرآة الزمان ، از سبط ابن الجوزی ، متوفی به سال ۶۵۴ هـ . ق .
- مفرح الکروب فی اخبار بنی ایوب ، از ابن واصل مازنی تمیمی ، متوفی به سال ۶۹۷ هـ . ق .
- ذیل مرآة الزمان ، از قطب الدین الیونینی ، متوفی به سال ۷۲۶ هـ . ق .
- مرآة الجنان و عبرة البقطان ، از یافعی ، متوفی به سال ۷۶۸ هـ . ق .
- الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المئه السابعة ، منسوب به ابن الفوطی ، متوفی به سال ۷۲۳ هـ . ق .

- الدرر الكامنه فی اعیان المشه الثامنه ، از ابن الحجر العسقلانی ،
متوفی به سال ۸۵۲ هـ . ق .
- النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره ، از ابن تفری بردی ،
متوفی به سال ۸۷۴ هـ . ق .
- شذرات الذهب فی اخبار من ذهب ، از ابن عماد الحنبلی ،
متوفی به سال ۱۰۸۹ هـ . ق .
- در همین رابطه گاه مراجعه به تاریخ مملکت و منطقه ای خاص از جهان
اسلام نیز بسیار می تواند مثمر و ثمر باشد ، از جمله و بعنوان نمونه کتب تاریخی
است که در باب تاریخ ممالک شمال آفریقا و غرب جهان اسلام نوشته شده اند ،
چون :
- " الموءنس " ، از ابن دینار ، که در باب تاریخ منطقه حالیه تونس
نوشته شده و از جمله در آنجا آمده : اولین مدرسه ای که در این منطقه تأسیس
شد باز می گردد به قبل از سال ۶۴۷ هـ . ق .
- انیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و مدینه الفاس " ،
از " ابن الزرع " .
- تاریخ دولتهای موحدیه و حفصیه ، از زرکشی .
- الاستقصاء لأخبار دول المغرب الاقصی ، از سلاوی .
- الأعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره ، از محمد بن علی
شداد ، متوفی به سال ۶۸۴ هـ . ق . (نسخه خطی مضبوط در کتابخانه لاهه) .
- الاعلام ، باعلام بیت الله الحرام ، از قطب الدین الحنفی ،
متوفی حدود سال ۹۸۸ هـ . ق .

ح - تواریخ امکنه و شهرها :

هم در شمار کتب تاریخی است آنچه علما و مورخین مسلمان پیرامون
تاریخ شهرها و تاریخچه اینیه تألیف نموده اند . آنچه از امکنه که بالاخص
مورد نظر تواند بود ترتیب بنای مدارس ، و رباطها ، و زوایا ، و خانقاهها ،

و امکنه از این قبیل که می‌توانسته‌اند محل تشکیل محافل درس و بحث بوده باشند ، بویژه بنای مساجد که همواره منظم به آموزش اسلامی بوده و از آن جدا نیست ، همینطور احوال سازندگان ، و واقفین ، ذکردانشمندان و مدرسین و فقها و خطبای هر شهر ، بعلاوه قارئین و ائمه صاحب نام ، یا حتی اهل صنوف و حرف مربوط بدین وادی ، از جمله صنف کاغذگران ، و صحافان و کاتبان و غیر ایشان که نهایتاً "هریک بنحوی به تاریخ تعلیم و تربیت اتصال می‌یابند . از این جمله نباید از مدارس ویژه طب ، یا نجوم ، یا ریاضی و غیر آن که در هر شهر تشکیل می‌شده و باعث جلب علما و طالبان شهرهای دیگر دور و نزدیک می‌گردیده و حوزه‌های پررونقی را تشکیل می‌داده غفلت نمود . از جمله این کتب هستند :

- تاریخ نیشابور ، از حافظ ابو عبدالله بن بیع الضبی نیشابوری ، متوفی به سال ۴۵۵ هـ . ق .
 - فضائل بلخ ، از شیخ الاسلام ابوبکر عبدالله بن عمر واعظ بلخی ، متوفی بعد از ۵۸۸ هـ . ق .
 - تاریخ جرجان ، از حمزه بن یوسف السهمی ، متوفی به سال ۴۲۷ هـ . ق .
 - تاریخ بغداد ، از خطیب بغدادی ، متوفی به سال ۴۶۳ هـ . ق .
 - تاریخ دمشق ، از ابن عساکر ، متوفی به سال ۵۷۱ هـ . ق .
 - کنوزالذهب فی تاریخ حلب (نسخه خطی) از سبط بن عجمی . . . الخ
- ط - کتب جغرافیایا :

نظیر مباحثی که ذکرشان گذشت به همین ترتیب و سیاق در دسته وسیعی از منابع که کتب جغرافیایی باشند و شامل اسامی بلاد و نواحی ، به‌مراه امکنه ویژه جغرافیایی هر یک ، و نیز فرهنگ اسامی بقاع و غیر آن آمده‌اند و محقق این طریق از آنان اطلاعات مفید می‌تواند کسب نماید ، اینک عنوان برخی از این کتب :

الاسماء ، الحمالک ، اسما خدادیه ، متوفی به سال ۳۵۵ هـ . ق .

- ۱۱
-
- صورہ الارض، ابن حوقل، متوفی بعد از سال ۳۵۶ هـ. ق.
- الاقالیم، اصطخری، متوفی حدود نیمه قرن چهارم.
- احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، از ابو عبد الله مقدسی، متوفی بعد از سال ۳۷۸ هـ. ق.
- الاعلاق النفیسه، ابن رسته، متوفی حوالی قرن سوم.
- مراد الاطلاع علی اسماء الامکنه والبقاع، از یاقوت حموی، متوفی به سال ۶۲۶ هـ. ق.
- آثار البلاد و اخبار العباد، از زکریا قزوینی، متوفی به سال ۶۸۳ هـ. ق. هنوز از جمله کتب این مقوله سفرنامه‌ها را می‌توان بر شمرد که تحت عنوان "رحله" و از جانب جغرافیادانان و جهانگردان مسلمان نوشته شده و حاوی مطالب سودمند پیرامون تمام مطالبی که فوقاً ذکرشان گذشت هستند، مضافاً به اینکه این رجال چون خودشان غالباً از علما و فضلا بوده‌اند هر کجا رفته‌اند نخستین چیزی که در نظرشان بوده مجامع درس و محافل بحث در مساجد و مدارس و غیر آن می‌بوده و لذا از این باب حاوی اطلاعات گرانبه‌ای هستند. از آن جمله‌اند:
- رحله ابن فضلان، از احمد بن فضلان، متوفی بعد از سال ۳۱۰ هـ. ق.
- الرساله الثانیه، از ابی دلف مسعری، متوفی حوالی قرن چهارم هجری.
- سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، متوفی به سال ۴۸۱ هـ. ق.
- "رحله" از ابن جبیر الکنانی، متوفی به سال ۶۱۴ هـ. ق. که در آن اطلاعات مبسوط پیرامون مطلب مورد نظر آمده و از جمله گوید مدارس بغداد به سال ۵۸۰ هجری جمعا "سی مدرسه بوده که همگی در جانب شرق دجله قرار داشتند.
- "تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار" معروف به "رحله"، از ابن بطوطه، متوفی به سال ۷۷۹ هـ. ق.

ی - کتب وفيات و مزارات :

- که در این دسته کتب بالاخص در رابطه با سالهای درگذشت علما و بزرگان هردیوار، و نیز مزارات ایشان اطلاعات سودمند از احوالات این دانشمندان که شامل هر صنف از علوم و فنون و از جمله تعلیم و تربیت به معنی اخص کلمه می‌گردند آورده که محل تأمل است .
- وفيات الاعیان ، از شمس‌الدین ابن خلکان ، متوفی به سال ۷۶۴ هـ . ق .
 - الوافی بالوفیات ، از صفدی ، متوفی به سال ۷۶۴ هـ . ق .
 - فوات الوفيات ، از محمد بن شاکر الکبکی ، متوفی به سال ۷۶۴ هـ . ق .
 - الوفيات ، از ابوالعباس ابن قنفذ قسطنینی ، متوفی به سال ۷۸۶ هـ . ق .
 - ذیل وفيات الاعیان ، موسوم به " دره الحجال فی اسماء رجال "
 - از ابن القاضی المکناسی ، متوفی ۱۰۲۵ هـ . ق .
 - شد الازار فی حطال اوزار عن زوار المزار ، " در مزارات شیراز ، از جنید شیرازی ، تألیف حدود ۷۹۱ هـ . ق .

ک - کتب طبقات علما و تذکره‌ها و اعاجم :

- یعنی آن کتابهایی که در باب منفی خاص از دانشمندان اسلامی ، همینطور اسامی و تراجم رجال علم و بالاخره فهرست این چنین رجال و دانشمندان در آنان آمده است . چون :
- صوان الحکمه ، از ابوسلیمان المنطقی السجستانی ، متوفی به سال ۳۹۱ هـ . ق .
 - تتمه صوان الحکمه ، از علی بن زید بیهقی ، متوفی به سال ۵۶۵ هـ . ق .
 - مطالع البدور ، از " غزولی " .
 - عیون الابناء فی طبقات الاطباء ، از ابن ابی اصیبعه الخزرجسی ، متوفی به سال ۶۱۶ هـ . ق .
 - اخبار العلماء باخبار الحکماء ، از ابن قفطی ، متوفی به سال ۶۴۶ هـ . ق .

— روضه العقلا ، از ابن حبان .

— عیون الاخبار ، از ابن قتیبه دینوری ، متوفی ؟

— " الارشاد الأریب الی معرفه الادیب " معروف به معجم الادباء ،

از یاقوت حموی ، متوفی به سال ۶۲۶ هـ . ق .

— تلخیص مجمع الآداب فی معجم الاسماء واللقاب ، از ابن الفوطی

الشیبانی ، متوفی سال ۷۲۳ هـ . ق .

— بغیه الوعاه فی طبقات اللغویین والنحاه ، از سیوطی متوفی

به سال ۹۱۱ هـ . ق .

— مهجه البیضاء .

ضمنا " در کتب و رسالات برخی فلاسفه مسلمان نیز فصول و عناوینی

به امر تعلیم و تربیت اختصاص یافته و در آن باب سخن گفته اند که این خود

باهی وسیع و مستلزم فور فراوان است ، برخی از باب نمونه بیاید :

— فارابی در کتاب " آراء اهل مدینه فاضله " بخشی را به تعلیم و

تربیت اختصاص داده .

— رساله تحصیل السعاده هم از فارابی که بخش مهمی از آن به این

امر اختصاص دارد .

— شیخ الرئیس ابن سینا ، در رساله بانام " السیاسته " به این امر پرداخته .

— ابن مسکویه ، عالم اخلاق معروف در کتاب جاویدان خرد ، از

همین ابن مسکویه رساله دیگری در دست است .

— وصیه افلاطون فی تأدیب احدث " که خود آن را از ترجمه

اسحق بن حنین نقل نموده است . .

— رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا " که غالباً " مسائل تعلیمی و

تربیتی را شامل می گردند .

نوعی دیگر از اینگونه منابع که می تواند احیاناً " در این طریق

مورد مراجعه قرار گیرد برخی کتب صوفیه و عرفانی تحت عنوان آداب است .

گرچه این کتب آموزش مراتب عرفان و تصوف می دهد ، لکن از آنجا که ما

در این طریق خانقاه ها را نیز در جمله امکنه درس و تربیت قرار داده ایم

لذا بالمال این آموزشها نیز خارج از حیطه تعلیم و تربیت اسلامی نمی‌توانند باشند. عددی چند از این کتب از باب نمونه چنین است.

- رساله آداب المریدین، از نجم‌الدین کبری، متوفی به سال ۶۱۸ ه. ق.
- آداب المریدین، از ابونجیب سهروردی، متوفی به سال ۶۶۳ ه. ق.

ل — کتب محاضرات و نوادر اقوال و روایات:

و سرانجام آخرین دسته از کتابهایی که احیانا " به امر تعلیم و تربیت نزد مسلمین عنایت ورزیده‌اند آن دسته کتب عامی هستند که می‌توان تحت عنوان کلی " محاضرات " یا کشکول و نوادر و غیر آن آورد. این کتابها عموماً شامل اقوال و روایات متعدد از مجالس علمی و از زندگی و کار علما و مدرسین همینطور اقوال و روایات دربارها و صدور که گهگاه مجالس درس در آنجا و نزد آن بزرگان تشکیل می‌شده، ذکر احوال شعرا و ادبا و مجالس درس و بحث و مناظره ایشان، و نهایت بیشمار اطلاعات پراکنده از این قبیل که در این دسته کتابها آمده. برخی از این منابع که بیش از سایرین به تاریخچه تعلیم و تربیت اشاره نموده‌اند از اینقرار است:

- البیان والتبیین، از جاحظ، متوفی به سال ۲۵۵ ه. ق.
- الوزراء والکتاب، جهشیاری، متوفی به سال ۳۳۱ ه. ق.
- الولاه والقضات، ابو عمرو محمد الکندی، متوفی به سال ۳۵۰ ه. ق.
- " الاغانی " ابوالفرج اصفهانی، متوفی به سال ۳۵۶ ه. ق.
- طبقات الادباء، ابن انباری.
- دمه القصر، باخرزی.
- ارشاد الساری، القسطلانی.
- یتیمه الدهر، فی محاسن اهل العصر، از ثعالبی، متوفی به سال ۴۲۹ ه. ق.
- محاضرات الادباء و محاورات الشعراء والبلغاء، از راغب اصفهانی، متوفی به سال ۵۰۲ ه. ق.

- المحاسن والمساوی ، از علی بن زید البیهقی ، متوفی به سال ۵۶۵ هـ . ق .
- الکشکول ، شیخ بهاء الدین عاملی ، متوفی ؟

سسوم — منابع خاص تعلیم و تربیت اسلامی :

چنانکه از نام فصل پیداست در این مقام آن کتابهایی معرفی می‌گردند که به وجهی خاص در رابطه با تعلیم و تربیت و یکی از سه محور آن ، رجال ، منابع و امکانه تألیف گردیده‌اند . گرچه در اکثریت آنان تفکیک جزء به جزء هریک از این سه ناممکن است . لکن از باب تخصیص مناسبت دارد که ابتدا را بر کتابهایی گذاریم که به ویژه در باب امکانه آموزشی اعم از مساجد ، مدارس ، زوایا و نهاد هاند و مجملی از تواریخ این امکانه را آورده‌اند که برخی از این کتابها بدینقرار است :

- کتاب اخبار الر بط والمدارس ، از ابن ساعی بغدادی ، به سال ۶۲۴ هـ . ق .
- کتاب شرط المستنصریه ، هم از ابن الساعی ، که در این دو اطلاعات ارزشمندی در پیرامون مدارس خطه عراق و رباط‌های آنجا آمده است .
- الدارس فی اخبار المدارس ، از شهاب الدین احمد بن حجب السعدی دمشقی الشافعی ، متوفی سال ۸۱۶ هـ . ق .
- که در این کتاب بالاخص احوال واقفین امکنه و شرط و شروطی که قرارداد ه بودند ، و حقوق مدرسین ، و آنچه از دروس تا آنگاه که دایر بوده تدریس می‌گردیده آمده است .
- مدارس دمشق و ربطها و جوامعها و حماماتها ، از حسن بن احمد بن زفر الاربلی ، متوفی به سال ۷۲۶ هـ . ق .
- که از جمله در این کتاب آمده که تعداد مدارس دمشق در زمان حیات مؤلف نود و یک باب بوده .
- نزهة الانام فی تاریخ الاسلام ، از ابن دقماق ، متوفی به سال ۸۰۹ هـ . ق .
- المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار ، از مقریزی ، متوفی به سال ۸۴۵ هـ . ق .

- السلوک لمعرفة دول الملوک ، هم از مقریزی .
- کتاب " الفایه " ، از ابن الجزری .
- ثمار المقاصد فی ذکر المساجد ، از یوسف بن عبدالهادی دمشقی ، متوفی به سال ۹۵۹ ه .
- الدارس فی اخبار المدارس ، از عبدالقادر النعمی ، متوفی به سال ۹۲۷ ه . ق .
- دور القرآن فی دمشق . هم از نعیمی فوق الذکر که در این دو کتاب بالاخص اخبار فراوان از مدارس دمشق ، و از آموزش قرآن در این شهر ، همینطور حوزه های آموختن حدیث و نظایر آنان آمده است .
- الانس الجلیل فی تاریخ القدس والخلیل ، از مجیرالدین العلیمی الحنبلی المقدسی ، متوفی ۹۲۷ ه . ق .
- المروج السندسیه الفسیحه فی تلخیص تاریخ الصالحیه ، از محمد بن عیسی بن کنان صالحی ، متوفی ۱۱۵۳ ه . ق .
- فرائد الفوائد فی احوال المدارس والمساجد ، از محمد زمانی ابن الکلب العلی التبریزی ، متوفی ۱۱۳۱ ه .
- حسن المحاضره ، از جلال الدین سیوطی ، متوفی به سال ۹۱۱ ه . ق . آنچه گذشت غالباً " اماکن تعلیم و تربیت را در برمی گرفت . و اما در باب رجال تعلیم و تربیت ، باید گفت به تعبیری تمامی دانشمندان که حوزه درس هم می داشته اند از رجال تعلیم و تربیت هستند . و لذا تمام کتب رجالی و تراجم در این باب مورد استناد توانند بود . مضافاً " به کتب تواریخ و تذکره ها و انساب که قبل از این ذکرشان گذشت . اما نگارنده این سطور دو دسته از رجال را از باب تخصیص در این مقام مناسب برای معرفی می بیند . نخست آن دسته که در علوم مربوط به لغت و زبان و قواعد و اصولی از این قبیل صاحب نظر و نگارش بوده که ربط آنان با موضوع تعلیم و تربیت آشکار است . و برخی از معروفترینشان بدین قرار بوده اند * :

* — این اسامی بالاخص از مقدمه کتاب " کشاف اصطلاحات الفنون " تهانوی ،

- لیث (۹۴ - ۱۷۵ هـ .) لغت‌دان و نحوی .
- ابو عمرو شیبانی کوفی (۹۶ - ۲۵۶ هـ) لغت‌دان معروف .
- خلیل بن احمد فراهیدی ، (۱۰۰ - ۱۷۴ هـ) صاحب کتاب العین و مبتکر علم عروض شعر .

- ابو عمرو (۱۱۰ - ۲۰۹ هـ .) لغت‌دان نامدار .
- کسایی (۱۱۲ - ۱۸۹ هـ .) از پیشوایان نحو و لغت . .
- ابوزید بصری (۱۱۹ - ۲۱۵ هـ) عالم معروف لغت .
- سیبویه فارسی (۱۲۱ - ۱۶۱) نحوی و لغت‌دان معروف .
- اصمعی (۱۲۳ - ۲۱۶ هـ .) لغت‌دان نامور .
- خلف احمر (۱۲۵ - ۱۸۷ هـ) اهل فرغانه که معلم اصمعی بوده .
- ابن کلبی کوفی (۱۲۵ - ۲۰۴ هـ .) صاحب کتاب جمهره در نسب .
- لحنانی (۱۳۶ - ۲۱۵ هـ) صاحب کتاب نوادر .
- ابوالهشهم رازی (۱۴۱ - ۲۲۶ هـ .) ادیب و لغت‌دان نامور .
- فراه کوفی (۱۴۴ - ۲۰۷) لغت‌دان و نحوی معروف .
- ابن اعرابی (۱۵۰ - ۲۳۱ هـ .) صاحب کتاب نوادر .
- ابن شمیل بصری (۱۵۰ - ۲۰۳ هـ .) از یاران خلیل و صاحب کتاب الصفات .

- ابو عبید رومی (۱۵۴ - ۲۲۴ هـ) لغت‌دان معروف .
- سلمه (۱۶۲ - ۲۴۰ هـ .) لغت‌دان و نحوی .
- ابن سکیت (۱۸۶ - ۲۴۴ هـ .) صاحب کتاب الالفاظ ، عالم

لغت و صرف و نحو .

- ابوتراب نخشی خراسانی (۱۸۹ - ۲۴۵ هـ .) صاحب کتاب العین ، استدراک بر کتاب العین خلیل .
- ثعلب کوفی (۲۰۰ - ۲۹۱ هـ .) صاحب کتاب فصیح و جزآن .
- مبرد (۲۱۰ - ۲۸۵) صاحب تاریخ معروف و ادیب نامدار .
- ابن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۰ هـ) صاحب کتاب معروف ادب الکاتب .
- ابن درید البصری (۲۲۳ - ۳۲۱ هـ .) صاحب کتاب معروف جمهره و جزآن .

- زجاج (۲۳۰ - ۳۱۱ هـ .) عالم معروف در نحو و لغت .
 - ازهری هروی (۲۸۲ - ۳۷۰ هـ .) صاحب کتاب التهذیب
 (ده مجلد) در لغت .
 - سیرافی (۲۸۴ - ۳۶۸ هـ .) شارح کتاب سیبویه .
 - ابن خالویه همدانی (۳۱۵ - ۳۷۰ هـ .) نحوی و لغت‌دان
 - ابوبکر الخوارزمی (۳۱۶ - ۳۸۳ هـ .) صاحب رسایل معروف .
 - صاحب بن عباد (۳۲۶ - ۳۸۵ هـ .) دانشمند و وزیر نامدار ،
 صاحب " المحيط " در لغت .
 - ابن فارس رازی (۳۲۹ - ۳۹۰ هـ .) لغت‌دان معروف .
 - جوهری فارابی (۳۳۲ - ۳۹۳ هـ .) صاحب کتاب معروف
 " صحاح " در لغت .
 - ابن جنی ، (۳۳۰ - ۳۹۲ هـ .) صاحب کتاب الخصائص در لغت .
 - ثعالبی نیشابوری (۳۵۰ - ۴۲۹ هـ .) مؤلف فقه‌اللغه و تألیفات
 معروف دیگر در لغت .
 همینطور صدها ادیب و زبان‌دان معروف دیگر همچون فیروزآبادی
 صاحب قاموس ، و میدانی صاحب مجمع الامثال و غیر ایشان که در قرنهای بعد
 پدید آمدند و علوم مربوط به زبان و لغت و قواعد را پیش بردند و به وضعیت
 خاص علمی رسانیدند . گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 آنچه در فوق آمد بالاخص تا حوالی قرن پنجم را شامل می‌شد که
 از ادوار متقدم علوم اسلامی بشمار است . لکن از این دوران به بعد و به تدریج
 در نتیجه همت و پشتکار علمای مسلمان دامنه علوم و فنون گسترش پیدا کرد
 و مسایل و ابواب جدیدی بدان اضافه گردید تا آنجا که علما و اهل فضل و
 نیز مدرسین و پژوهندگان ناگزیر گردیدند جهت وضوح منطقه عمل خویش
 تقسیماتی در علوم و فنون قائل گردند که مجمل آن در سطور قبلی این نوشته
 گذشت و اینک جهت خاتمت فایده متذکر می‌گردیم که این قائل شدن به تفکیک
 و تقسیم در علوم عمل حساس و بلکه دقیقی بود که تنها از عهده علمای
 بزرگ و مدرسین مجرب که بر تمامی رشته‌ها و فنون احاطه و تسلط می‌داشتند

برمی آمد و چون این عمل نوعاً "خودمدخلی برتعلیم و تربیت محسوب می گردید ،
لهذا مناسبت دارد برخی از این بزرگان که در این طریق مجاهدت ورزیده
و اثری از خود باقی گذاشته اند بعنوان رجال تعلیم و تربیت اسلامی معرفی گردند .

— ابونصر محمد بن طرخان فارابی ، ملقب به معلم ثانی (متوفی
به سال ۳۳۹ هـ) که کتاب " احصاء العلوم " را نوشت .

— علی بن عباس مجوسی (متوفی در ۳۸۴ هـ) مؤلف دائره المعارف
طبی ترتیب الفبایی .

— ابو عبد الله محمد بن احمد خوارزمی (متوفی در ۳۸۷ هـ) مؤلف
کتاب معروف مفاتیح العلوم .

— ابو حیان توحید (متوفی در ۴۰۰ هـ) مؤلف کتاب " مقابسات " .

— ابوعلی احمد بن محمد بن مسکویه (متوفی در ۴۲۱ هـ) مؤلف

اقسام الحکمه .

— ابوعلی حسین بن عبدالله سینا ، (متوفی در ۴۲۷ هـ) مؤلف

رساله های در ماهیت علوم که ممکن است همان کتاب اقسام الحکمه وی باشد .

— ابوبکر بن خیر بلوی (متوفی در ۵۵۹ هـ) مؤلف " انموذج العلوم "

در باب ۲۴ دانش معروف .

— نشوان بن سعید حمیری (متوفی در ۷۵۷ هـ) مؤلف کتاب عظیم

" شمس العلوم " در هیجده مجلد ، مشتمل بر اصطلاحات علوم بترتیب الفبایی

— ابن جوزی (متوفی در ۵۹۷ هـ) مؤلف کتاب المد هش در باب پنج علم .

— فخر رازی (متوفی در ۶۰۶ هـ) ، صاحب " حقایق الانوار " به عربی

در باب چهل دانش و کتاب جامع العلوم به فارسی ، یا همان ستینی ، در
باب شصت دانش .

— سکاکی (متوفی در ۶۲۶ هـ) مؤلف کتاب معروف " مفتاح العلوم " .

— خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی در ۶۷۲ هـ) مؤلف کتاب

" اقسام الحکمه " .

— نجم الدین حرانی (متوفی در ۶۹۵ هـ) مؤلف کتبی چون

" جامع العلوم " و " سلوه المحزون " .

- محمد بن محمود آملی (متوفی در ۷۹۴ هـ) مؤلف "ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد" مشتمل بر شصت دانش .
- شرف‌الدین اسماعیل مقرئ (متوفی در ۸۳۷ هـ) مؤلف "منوان الشرف" در فقه و نحو و تاریخ و عروض .
- سید میر شریف جرجانی (متوفی در ۸۱۶ هـ) مؤلف "تعریفات معروف"
- محمد شاه فناری (متوفی در ۸۳۹ هـ) مؤلف انموذج العلوم، مشتمل بر صد مسأله در صدفن به شیوه "الحقایق" رازی .
- عیسی بن محمد مصنفک هروی بسطامی (متوفی در ۸۷۵ هـ) مؤلف "حل الرموز و مفاتیح الكنوز" .
- عیسی صفوی، (متوفی در ۹۵۳ هـ) مؤلف "النموذج العلوم الاسلامیه و اللغویه" .
- جلال‌الدین دوانی، (متوفی در ۹۰۷ هـ) مؤلف کتاب معروف "النموذج العلوم" .
- جلال‌الدین سیوطی (متوفی در ۹۱۱ هـ) مؤلف النقایه، درباره ۱۴ علم .
- احمد بن مصطفی طاش کبری زاده (متوفی در ۹۶۲ هـ) مؤلف "مفتاح السعاده و مصباح السیاده" در باب هفت علم که فرزندش این کتاب را به زبان ترکی ترجمه نمود و مطالبی بر آن افزود که مقدار علوم را به پانصد رسانید .
- افضل‌الدین محمد ترکه، (متوفی در ۹۹۰ هـ) مؤلف "النموذج العلوم" .
- احمد بن عبدالحق سنباطی (متوفی در ۹۹۰ هـ) صاحب روضه الفهوم فی نظم نقایه العلوم " که همان کتاب نقایه العلوم سیوطی از ابواب فقه و معانی و بهان و بدیع را به نظم درآورد .
- محمد بن علی سپاهی زاده بهروسی (متوفی ۹۹۷ هـ) مؤلف "النموذج الفنون" در تفسیر و حدیث و کلام و اصول فقه و بیان و طب و نجوم .
- عبدالکاظم گیلانی، مؤلف الاثنی عشریه " که این کتاب را به تاریخ ۱۰۱۵ هـ . تألیف کرده است .

— قاضی نورالله شهید (شهادت به سال ۱۰۱۹ هـ) ، مؤلف

النموذج العلوم

— ابراهیم همدانی (متوفی در ۱۰۲۵ هـ) مؤلف " الانموذجه " .

— محمد امین استرآبادی (متوفی در ۱۰۳۶ هـ) مؤلف دانشنامه شاهی .

— محمد امین بن صدر شیروانی ، معروف به ملازاده (متوفی در ۱۰۳۶ هـ)

مؤلف " الفوائد الخاقانیه الاحمد خانیه " ، به زبان فارسی در باب ۵۲ دانش ،

ده دانش آن شرعی ، دوازده دانش لغوی و سی دانش بقیه فلسفی .

— حاجی خلیفه ، مصطفی بن عبدالله (متوفی در ۱۰۶۷ هـ) مؤلف

" کشف الظنون " معروف ، که در همین آوردن اسامی کتب و رسالات قائل به

تفکیک و تقسیم علوم و فنون در رابطه با آنان گردیده .

— ابوالبقاء کفوی قرهبی حسنی (متوفی در ۱۰۵۹ هـ) مؤلف

" کلیات العلوم " معروف به کلیات ابی البقاء به شیوه تعریفات " جرجانی "

و " لسان الخواص " و جز آنان .

— آقارضا قزوینی (متوفی در ۱۰۹۶ هـ) مؤلف " لسان الخواص "

به شیوه " تعریفات " جرجانی و کلیات ابی البقاء .

— احمد رشیدی مفرهبی (متوفی در ۱۰۹۶ هـ . ق) ، مؤلف

" تهجان العنوان " که ارجوزه ایست در تصوف و منطق و نحو و اصول .

— محمد بن حسن شیروانی (متوفی در ۱۰۹۹ هـ) ، مؤلف

" النموذج العلوم " .

— محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (متوفی در ۱۱۱۱ هـ) مؤلف

مجموعه عظیم بحار الانوار که به منزله دایره المعارف و مدخلی است بر کلیه

علوم و فنون دینی و اسلامی .

— قوام الدین محمد سیفی قزوینی (متوفی در ۱۱۵۰ هـ) مؤلف

ارجوزه هایی در اخلاق و اصول فقه و تجوید و حساب و خط و صرف و نحو

و طب و فقه .

— ساجقلی زاده مرعشی (متوفی در ۱۱۵۰ هـ) مؤلف ترتیب العلوم

در تعاریف و فنون .

— و سرانجام تهانوی معروف ، صاحب کتاب " کشاف اصطلاحات الفنون " به شیوه لسان الخواص (متوفی در ۱۱۵۸ هـ) .

آنچه گذشت شمه‌ای از رجال تعلیم و تربیت فقط در دورزمینه خاص زبان و لغت و تقسیم و تفکیک علوم و فنون بود که به زعم راقم سطور ارتباطشان با تعلم و تربیت به معنی اخص کلمه بیشتر می‌بوده ، لکن همانگونه که اشاره شد تمامی دانشمندان و ارباب معرفت بدون استثناء حوزه تدریس داشته‌اند ، بویژه عالمان علوم تجربی نظیر طب و ریاضیات و غیر ایشان که جهت شناخت و معرفی زندگینامه‌ایشان باید به کتب رجالی و دائره المعارفی اسلامی مراجعه نمود و ما در سطور پیشین پاره‌ای از آنان را معرفی کرده ایم .

اینک می‌رسیم به قسمت سوم منابع خاص تعلیم و تربیت اسلامی که در این بخش کتب مخصوص این موضوع اعم از تاریخی ، درسی ، شیوه و طرز تدریس و غیر آنان ، خواه تحت عنوان خاص تعلیم و تربیت ، یا با عناوین دیگر منتهی در این مقوله ، آورده می‌شود .

— " الادب الوجیز للولد الصغیر " از عبدالله بن مقفع ، متوفی به سال ۲۵۵ هـ . با ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی .

— رساله المعلمین ، از جاحظ ، متوفی به سال ۲۵۵ هـ (نسخه خطی مضبوط در موزه بریتانیا) .

— رساله آداب المعلمین مادون محمد بن سحنون عن ابیه ، از

ابن سحنون ، متوفی به سال ۲۵۶ هـ . ق .

— نقد النثر ، از قدامه بن جعفر .

— ادب الکاتب ، از ابن قتیبه دینوری ، متوفی به سال ۲۲۵ هـ . ق .

— مختصر کتاب العالم والمتعلم ، از احمد بن عمر السمرقندی ،

متوفی به سال ۲۸۵ هـ . ق .

— ریاضه العلم ، از ابی عبدالله بن زبیر ، متوفی به سال ۳۱۷ هـ . ق .

— ادب الکاتب ، از ابی بکر بن الصولی ، متوفی به سال ۳۳۵ هـ .

— کتاب الآداب ، از جعفر بن شمس الخلافه .

— محال العلماء ، از زجاجی ، متوفی به سال ۳۴۵ هـ . ق .

- العالم و المتعلم ، از ابوحاتم محمد بن حبان البستی التمیمی ،
متوفی به سال ۳۵۴ هـ . ق .
- العالم و المتعلم ، از احمد بن ابان بن السید الفوی الاندلسی ،
متوفی به سال ۳۸۲ هـ . ق .
- الامتاع فی احکام السماع ، از اذفوی المصری ، متوفی به سال ۳۸۸ هـ . ق .
- تلقین المتعلم ، از ابی عبادہ ابراهیم بن محمد ، متوفی به سال ۴۰۰ هـ . ق .
- خزانه الادب ، از عبدالقادر البغدادی .
- الرساله المفصله لأحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین ،
از قابسی ، متوفی به سال ۴۰۳ هـ . ق .
- الدر المنظیم فی أحوال العلوم و التعليم ، از شیخ ابوعلی سینا ،
متوفی به سال ۴۳۸ هـ . ق .
- منهاج المتعلم ، از مؤلف ناشناس (خطی کتابخانه عثمانیه حلب) .
- رسوم دار الخلافه ، از ابی هلال الصابی ، متوفی به سال ۴۴۸ هـ . ق .
- ادب الدنيا و الدين ، از علی بن محمد الماوردی ، متوفی به سال ۴۵۰ هـ . ق .
- کتاب الامتاع و الموانسه ، از ابو حیان التوحیدی ،
– رساله فی الكتابه ، هم از توحیدی .
- العالم و المتعلم ، از ابو الحسن علی بن اسماعیل المرسی بن سیده .
متوفی به سال ۴۵۸ هـ . ق .
- ادب المجالسته ، از ابن عبدالبر النمری القرطبی ، متوفی سال ۴۶۳ هـ .
(نسخه خطی دارالکتب المصریه) .
- زهر الآداب ، از الحصری .
- جامع بیان العلم و فضله ، هم از ابن عبدالبر فوق الذکر .
- رساله فی تریبیت و التسلیک ، از برهان الدین اقصرانی .
- تقیید العلم ، ابو بکر خطیب البغدادی ، متوفی به سال ۴۶۳ هـ . ق .
- تحفه الودود و باحکام المولود ، از حافظ شمس الدین محمد ابو بکر
" ابن قیسم " .
- الکفایه فی علم الروایه ، هم از خطیب بغدادی .

ریاضته‌الصبيان ، از شمس‌الدین انبانی ، که در آن رساله
تأدیبه‌الصبيان " ابن مسکویه را آورده .

- فاتحه‌العلوم ، از ابو حامد محمد الغزالی طوسی ، متوفی بسال ۵۵۵ هـ . ق .
- رساله " ایها الولد " هم از غزالی طوسی .
- کتاب‌التنبیه علی حدوث التصحیف ، از حمزه بن الحسن الاصفهانی .
- ادب‌الاملاء والاستلاء ، از سمعانی ، متوفی بسال ۵۶۲ هـ . ق .
- طراز‌الذهب فی آداب‌الطلب ، هم از سمعانی .
- کتاب‌التذکره ، از ابن حمدون .
- تلقین‌المبتدی ، از عبدالحق بن عبدالله الاشبیلی ، متوفی

بسال ۵۸۱ هـ . ق .

- الرساله‌المفصله لحوال‌المعلمین و المتعلمین ، از برهان‌الدین

الزرنوجی ، متوفی ۶۵۰ هـ . ق .

- خزانه‌الادب ، از ابن حجه .

- تعلیم‌المتعلم ، طریق‌التعلیم ، هم از زرنوجی فوق‌الذکر .

- نصاب‌الصبيان ، ابونصر فراهی ، وفات بعد از سال ۶۴۰ هـ . ق .

- المنهج‌المفید فیما یلزم‌الشیخ‌والمريد ، از محمد بن سلیمان الشاطبی

اندلسی ، متوفی بسال ۶۷۲ هـ . ق .

- الدراری فی ذکر‌الذراری ، از ابن عدم ابو حفص کمال‌الدین عمر چلبی ،

متوفی بسال ۶۶۰ هـ . ق .

- نهج‌التعلیم کما یجب علی‌العالم‌و‌المتعلم ، از جعفر بن میران بن یعقوب .

- آداب‌المتعلمین ، از خواجه نصیرالدین طوسی ، متوفی بسال ۶۷۲ هـ . ق .

- ادب‌الدارس‌و‌المدرّس ، از محیی‌الدین بن شرف‌النوری ، متوفی

سال ۶۷۶ هـ . ق .

- کتاب‌المکافاه ، از ابن‌الدایه .

- المفید‌للمستفید ، از بابا افضل کاشی مراغی ، متوفی اوایل قرن هفتم .

- سراج‌المستفید و غنیه‌المفید ، از سعید بن محمد الفرغانی الحنفی ،

متوفی بسال ۶۹۶ هـ . ق .

- کتاب المتمم فی خط والهجاء ، از ابن درستویه .
- کتاب التصحیف ، از ابو هلال عسگری .
- کتاب الصناعتین ، الکتابه و اشعر ، هم ، از ابو هلال عسگری .
- المقامات الزینیه ، از ابن الصیقل الجزری البغدادی ، متوفی به سال ۷۵۱ هـ . ق .
- کتاب سر الفصاحه ، از خفاجی .
- تذکره السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم ، از ابن جماعه کنانی ، متوفی به سال ۷۳۳ هـ . ق .
- احیاء النفوس فی صنعہ القاء الدروس ، از تقی الدین السبکی ، متوفی به سال ۷۵۶ هـ . ق .
- معید النعم و مہید العلم ، از عبدالوہاب بن سیکس ، متوفی به سال ۷۷۱ هـ . ق .
- فضل السلف علی الخلف ، از ابوالفرج زین الدین عبدالرحمن بن احمد حنبلی ، متوفی ۷۹۵ هـ . ق .
- ہدایہ المتعلم و عمدہ المعلم ، از شہاب الدین احمد بن محمد ، متوفی به سال ۸۱۹ هـ . ق .
- الالف بالباء ، از ابن حجر العسقلانی ، متوفی به سال ۸۵۲ هـ . ق .
(نسخه خطی کتابخانہ بایزید استانبول) .
- شفاء المتألم فی آداب المتعلم ، از عبداللطیف المقدسی ، متوفی به سال ۸۵۶ هـ . ق .
- طریق تربیہ الاطفال ، " الاجازہ " ، از جلال الدین محمد بن اسعد دوانی ، متوفی به سال ۹۵۸ هـ . ق .
- المزہر فی علم اللغه ، از سیوطی ، متوفی به سال ۹۱۱ هـ . ق .
- احسن التطلاب فیما یلزم الشیخ و المرید فی الآداب ، از علی بن خلیل المرصفی ، متوفی به سال ۹۳۵ هـ . ق .
- الامر الدارس فی الاحکام المتعلقة بالمدارس ، از علوان بن علی بن عطیہ ، متوفی به سال ۹۳۶ هـ . ق .

- رساله فی علم الادب ، از مولانا طاش کبری زاده ، متوفی به سال ۹۶۲ هـ . (نسخه خطی در موزه عراق) .
- تحریرالمقال فی آداب و احکام مایحتاج الیه مؤدبوالاطفال ، از احمد بن حجرالهیثمی ، متوفی به سال ۹۷۳ هـ . ق .
- المعید فی ادب المفیدو المستفید ، از شیخ عبدالباسط العلموی ، متوفی به سال ۹۸۱ هـ . که این کتاب خود مختصر شده :
- الدرالنضید فی آداب المفیدو المستفید ، از ابی برکات بدرالدین بغدادی ، متوفی به سال ۹۸۵ هـ . است .
- اصول سماعات ابی الحسن ، از سلفی ، (خطی در کتابخانه مستشرق شهیر آرهیری) .
- حاصل النهج ، از محمد جعفر بن عبدالکریم البوبکانی ، متوفی حدود قرن دهم .
- منیه المرید فی ادب المفیدو المستفید ، از زین الدین عاملی (شهید ثانی) ، مقتول محتملا " سال ۱۰۱۱ هـ .
- کتاب فی آداب العلماء و المتعلمین ، از حسین بن قاسم منصور ، متوفی به سال ۱۰۴۹ هـ .
- تعلیم الکتاب ، از محمد کریم قاجار کرمانی ، متوفی به سال ۱۲۸۸ هـ . ق . در پایان این مقال چنانکه وعده داده شد جا دارد اشاره مختصر در حد این وجیزه به علم اخلاق نموده و متذکر گردیم که این مقوله گرچه جدا از تعلیم و تربیت اسلامی نبوده ، و بلکه متمم و مکمل آن بوده و غالباً کتب اخلاقی در عین حال کتب درسی و تعلیمی و تربیتی نیز بوده اند ، لکن چون این خود قلمروی وسیع می طلبد . و نیازمند مجالی واسع است ، لذا در عین حاله محققین تعلیم و تربیت اسلامی بدین وادی از باب نمونه چند کتاب اخلاقی که بویژه ارتباطشان با این مبحث محرز است می آوریم :
- تهذیب الاخلاق ، ابن مسکویه .

- ترتیب السعادات فی علم اخلاق ، ابن مسکویه .
- کتاب مرزبان نامه .
- کتاب قابوسنامه .
- سیاست نامه (سیرالملوک) ، از خواجه نظام الملک طوسی .
- السعاده والاسعاد .
- مکارم الاخلاق ، طبرسی .
- ارشاد البشر ، سلیمان بن احمد ، (نسخه خطی کتابخانه کاشف الغطاء ، نجف) .
- کیمیای سعادت ، مختصر کیمیای سعادت ، رساله میزان الملل ، نصیحه الملوک از امام محمد غزالی .
- اخلاق ناصری ، اخلاق محتشمی ، منتخب اخلاق ناصری
- از خواجه نصیرالدین طوسی .
- مختصر الایوب فی السنن والآداب ، مختصر حلیه المتقین مرحوم مجلسی .
- معراج السعاده ، از ملا احمد نراقی .
- مفتاح السعاده و مصباح السیاده ، از طاش کبری زاده .



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی